

کنش بازیگران  
منطقه، به طور  
عمده واکنش به  
محیط پیرامون و  
مناسبات جاری در  
سیاست بین الملل  
است. آن‌ها به جای  
خلق فرصت  
ترجیح می‌دهند  
مصرف‌کننده آن  
باشند. همان‌گونه  
که رئالیست‌های  
سنتی می‌گویند،  
اغلب دولت‌های  
منطقه سیاست  
خارجی خود را در  
واکنش به رفتار  
قدرت‌های بزرگ  
و تحولات سطح  
بین‌المللی تنظیم  
می‌کنند.

در خاورمیانه داشته است. در یک سطح کلان استراتژیک، این بحران باعث شد تا قدرت نسبی غرب و به خصوص آمریکا کاهش یابد؛ کشوری که اصلی‌ترین متحد استراتژیک تعداد زیادی از بازیگران منطقه‌ای نظیر ترکیه، مصر، اسرائیل، عربستان، اردن، قطر و امارات متحده عربی بود. آثار عمیق این بحران آن قدر زیاد بود که او با ما از همان ابتدای روی کار آمدن ایده کاهش حضور نظامی آمریکا در منطقه را با توسل به سیاست‌های پیچیده‌ای مثل «از منطقه به منطقه و برای منطقه» در پیش گرفت. البته این رویکرد در آن زمان در سطح منطقه جدی گرفته نشد؛ زیرا بسیاری بر این باور بودند که به دلیل سرمایه‌گذاری هنگفتی که آمریکا بعد از حمله به افغانستان و عراق در منطقه انجام داده، نمی‌تواند حضور نظامی خود را در منطقه کاهش دهد. حمایت نکردن دولت آمریکا از متحد دیرینه‌اش، یعنی حسنی مبارک، در جریان اعتراضات موسوم به «بهار عربی» و سقوط مبارک و روی کار آمدن دشمن دیرینه‌اش، یعنی اخوان المسلمین، برای بسیاری از متحدان سنتی محافظه‌کار آمریکا در منطقه زنگ خطر را به صدا درآورد.

روندهای بعدی نظیر عدم مداخله نظامی آمریکا در بحران لیبی، خروج نظامیان آمریکا از عراق، عدم واکنش آمریکا به حملات انجام شده علیه تأسیسات نفتی عربستان در سال ۲۰۱۹، خروج آمریکا از افغانستان و بسیاری از روندهای دیگر نشان داد که کاهش حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه و تغییر سیاست خاورمیانه‌ای آن، مورد اجماع هر دو حزب دمکرات و جمهوری خواه است. با توجه به اینکه آمریکا از دهه ۱۹۹۰ و به طور مشخص بعد از حمله عراق به کویت و با آزادسازی کویت به دست ائتلاف تحت رهبری خود به بازیگری هژمون در خاورمیانه تبدیل شده بود، تغییر سیاست خاورمیانه‌ای واشنگتن تأثیر عمیقی بر معادلات منطقه‌ای و سیاست خارجی متحدان و حتی مخالفان منطقه‌ای آن داشت. نه تنها سیاست خارجی متحدان آمریکا بلکه سیاست خارجی مخالفان آن نیز تغییر کرد و وجه مشترک هر دو تغییر، کاهش اهمیت و وزن آمریکا در معادلات و تحولات منطقه‌ای در قیاس با گذشته بود.

با توجه به اعلام سیاست دولت آمریکا مبنی بر چرخش به آسیا در سال ۲۰۱۲ و نیز تلاش‌های روسیه برای رقابت با غرب، این تصور وجود داشت که روسیه و در مرحله بعد چین آماده‌اند تا همزمان با کاهش حضور نظامی آمریکا حضور خود را در این منطقه افزایش دهند. افزایش همکاری‌های سیاسی و نظامی میان ترکیه و روسیه و همچنین عربستان و امارات با روسیه این تصور را تقویت می‌کرد. روسیه نیز در یک سیاست دقیق و هوشمندانه همزمان به ایران و عربستان از یک طرف و ایران و اسرائیل از طرف دیگر نزدیک شده بود. فروش سامانه اس ۴۰۰ به ترکیه، که عضو ناتو بود، موجب